

بنام خداوندی که به قلم قسم می خورد

یک بررسی تطبیقی-تاریخی

چرا کشورها سقوط می کنند؟

مجتبی لشکر بلوکی

Lashkarbolouki.Yek.Link

گزارش سقوط از اندیشکده رند

○ اندیشکده RAND جزو معروف ترین اندیشکده های جهان است و بر اساس آخرین رتبه بندی ها، جزو ۱۰ اندیشکده برتر آمریکا و جهان است. این اندیشکده در سال ۱۹۴۸ تاسیس شده و حدود ۲۰۰۰ نفر از ۵۰ کشور جهان در این اندیشکده کار می کنند. ۸۵ زبان مختلف در این اندیشکده صحبت می شود!

○ اندیشکده رند در سال ۲۰۲۴ گزارشی ([لینک](#)) را منتشر کرد که به این دو سوال می پردازد که **چرا کشورها سقوط می کنند؟ و چگونه از نو ساخته می شوند؟**

○ این نوشتار بر اساس این گزارش تنظیم شده و بخش هایی از آن گزارش که می تواند برای ما (ایران) نیز معنادار و مهم باشد انتخاب شده اند. بخش هایی از این گزارش با مراجعه به منابع اصلی با تفصیل و شفافیت بیشتری تنظیم شده که برای خواننده قابل استفاده باشد. صفحات ۴ الی ۲۰ این گزارش با مطالعه منابع اصلی حاوی مطالبی فراتر از آنچه در گزارش رند آمده، می باشد. همچنین صفحات ۳۳ تا ۳۶ و ۴۰ تا ۴۴ نیز توسط نویسندگان این نوشتار (مجتبی لشکر بلوکی) تهیه و تنظیم شده است.

عبور از مطالب تفصیلی

در صورتی که تمایلی به خواندن نظرات مختلف ندارید
و دوست دارید جمع بندی نهایی را ببینید
می تواند مستقیما به صفحه ۲۸ این نوشتار بروید.

چرا کشورها سقوط می کنند؟
۱۰ پاسخ از ۱۰ منظر
از ابن خلدون تا جرد دایموند



جواب اول:
ابن خلدون
تاریخ نگار،
جامعه شناس، و
فیلسوف سیاسی
قرون میانه

Ibn Khaldûn(1332-1406)

○ ابن خلدون متولد ۱۳۳۲ میلادی جزو اولین نفراتی است که به این سوال پاسخ شفاف و مکتوب داده است.

○ **تجمل و رخوت:** جوامع [برخاسته از قبایل و عشایر یا اقوام] با همبستگی گروهی قوی، اجتماع و هدف مشترک (عصبیت) شروع می‌شوند. در مرحله دوم، جوامع عشایری پرانرژی به دولت‌های مستقر تبدیل می‌شوند و در مسیر خود بی‌تحرک‌تر می‌شوند، اما عصبیت قوی هنوز وجود دارد. چنین جوامعی به اوج خود می‌رسند و سپس به مرحله سوم انتقال می‌یابند که در آن رهبران و نخبگان تثبیت‌شده بیشتر منافع خود را مبنا قرار می‌دهند، تجمل طلب و دچار سستی و رخوت می‌شوند و احساس حق به جانبی می‌کنند. سرانجام در مرحله چهارم، چنین جوامع ضعیفی قربانی حملات و تهاجمات قدرت‌های در حال ظهور [احتمالا قبیله، عشیره یا قومی دیگر] می‌شوند و نابود می‌شوند و چرخه دوباره آغاز می‌شود.

جواب دوم:
ادوار گیبون
تاریخ نگار و
نویسنده
انگلیسی



Edward Gibbon (1737-1794)

ادوارد گیبون دلایل افول و زوال امپراتوری روم را بررسی کرده است و و این دلایل را برمی شمرد:

۱. **فساد اخلاقی و از دست دادن فضائل مدنی:** رومی‌ها به مرور زمان ارزش‌های اولیه‌ای که باعث شکوفایی آن‌ها شده بود، مانند سخت‌کوشی، وظیفه‌شناسی و فداکاری، را از دست دادند. این انحطاط اخلاقی موجب ضعف اجتماعی شد.

۲. **نابسامانی اقتصادی:** مالیات‌های سنگین، کاهش تولید کشاورزی، و وابستگی به نیروی کار بردگان باعث شد اقتصاد روم ضعیف شود و توان مالی حکومت برای مقابله با تهدیدهای خارجی کاهش یابد.

۳. **افراط در نظامی‌گری:** هزینه‌های نظامی بسیار بالا برای حفظ مرزهای وسیع امپراتوری، خزانه دولت را تحلیل برد. همچنین، اتکا به سربازان مزدور که اغلب وفاداری کمتری نسبت به روم داشتند، باعث کاهش قدرت دفاعی و امنیتی شد.

۴. **گسترش بیش از حد امپراتوری:** روم مرزهای بسیار گسترده‌ای داشت که مدیریت و حفاظت از آن‌ها دشوار بود. این گسترش بیش از حد، منجر به فشار زیاد بر منابع و ساختار سیاسی شد.

منبع: *The History of the Decline and Fall of the Roman Empire*

جواب سوم:
امانوئل والراشتاین
جامعه شناس و مورخ
اقتصادی آمریکایی
دانش آموخته
دانشگاه کلمبیا



Immanuel Wallerstein (1930-2019)

ایمانوئل والرشتاین، در تحلیل سیستم‌های جهانی خود، دلایل افول و زوال کشورها را در قالب پویایی‌های سیستم سرمایه‌داری جهانی توضیح می‌دهد.

(۱) **پویایی هسته و پیرامون در سیستم جهانی:** کشورها در سیستم جهانی به دو دسته مرکز (Core) و پیرامون (Periphery) تقسیم می‌شوند. هسته کشورهای صنعتی و پیشرفته هستند که از کشورهای پیرامونی منابع و نیروی کار بهره‌کشی می‌کنند. اما زمانی که کشور مرکز توانایی بهره‌کشی مؤثر را از دست می‌دهد یا رقابت میان کشورهای هسته افزایش می‌یابد، این کشور وارد دوره افول می‌شود.

(۲) **تضادهای ساختاری سیستم سرمایه‌داری:** سیستم سرمایه‌داری به دلیل ذات خود، نابرابری اجتماعی و اقتصادی ایجاد می‌کند. این نابرابری‌ها می‌تواند به بی‌ثباتی داخلی و ظهور بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در کشورهای مختلف منجر شود و در نهایت باعث زوال آن‌ها شود.

Immanuel Wallerstein (1930-2019)

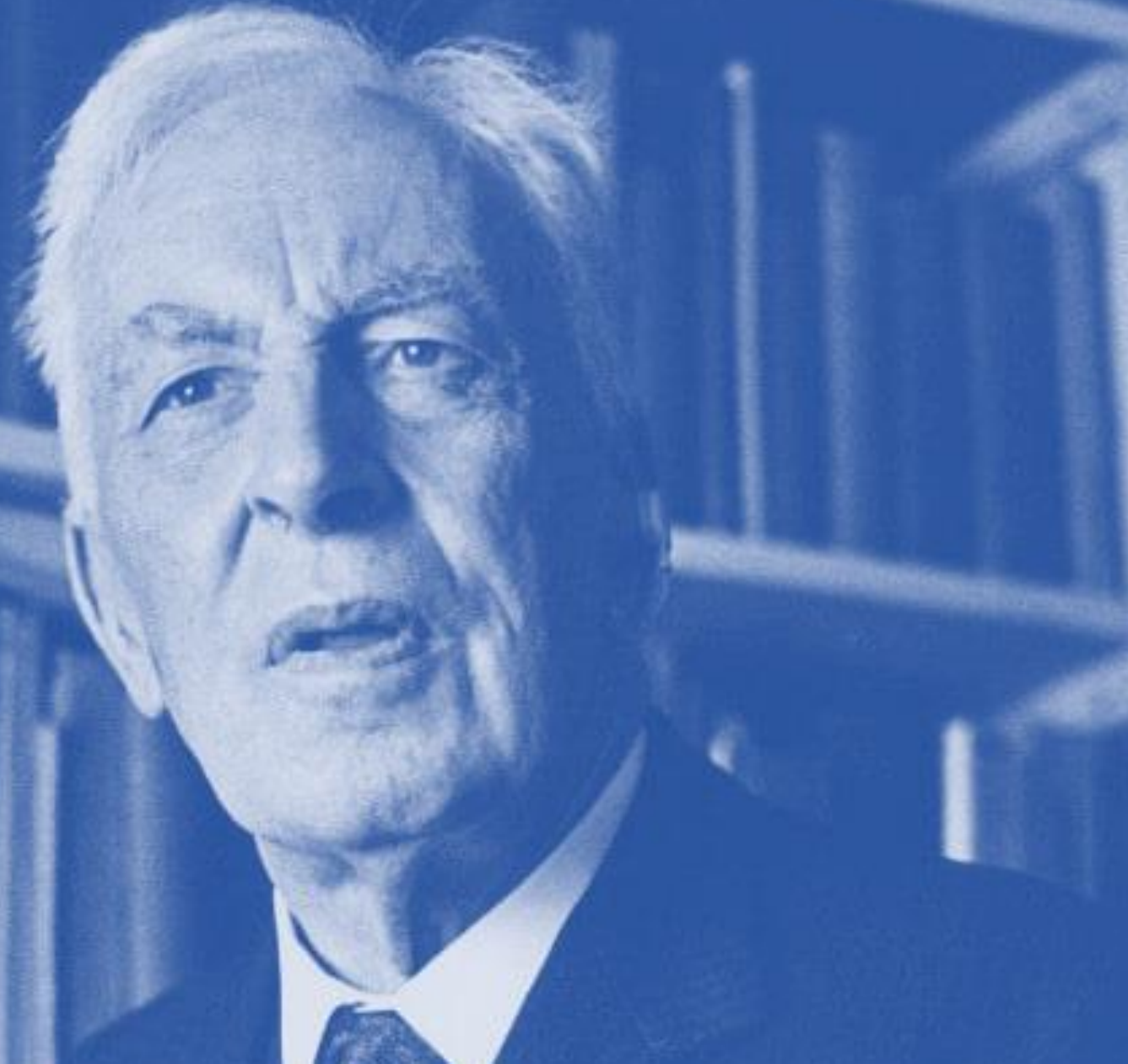
۳) رقابت و جابجایی قدرت بین‌المللی: والرش‌تاین معتقد است که کشورهای هسته برای حفظ سلطه خود وارد رقابت با یکدیگر می‌شوند. این رقابت‌ها می‌تواند منجر به جنگ‌های اقتصادی یا نظامی شود که در نهایت توان یک کشور را تحلیل می‌برد و زمینه‌ساز زوال آن می‌شود.

۴) کاهش ناهمگامی با تغییرات جهانی: تغییرات در بازارهای جهانی، فناوری، یا منابع، می‌تواند منجر به جابجایی مرکز قدرت اقتصادی شود. کشورهای هسته که نتوانند خود را با این تغییرات تطبیق دهند، ممکن است جایگاه خود را از دست بدهند.

۵) بحران‌های محیط زیستی و منابع طبیعی: بهره‌برداری بیش از حد از منابع طبیعی یا بحران‌های محیط زیستی می‌تواند اقتصاد کشورها را تضعیف کرده و موجب زوال آن‌ها شود.

۶) ظهور بازیگران جدید در سیستم جهانی: زمانی که کشورهای جدید در سیستم جهانی سرمایه‌داری قدرت می‌گیرند، کشورهایی که نمی‌توانند با این تحولات رقابت کنند، جایگاه خود را از دست می‌دهند.

جواب چهارم:
آرنولد توین بی
دانش آموخته
آکسفورد و کمبریج
استاد تاریخ بین الملل



Arnold J. Toynbee (1889–1975)

○ آرنولد توین بی در اثر برجسته خود بررسی تاریخ (A Study of History)، به تحلیل علل اوج و افول تمدن‌ها و کشورها پرداخته است. دلایل افول کشورها و تمدن‌ها بر اساس دیدگاه توین بی عبارت‌اند از:

(۱) **ناتوانی در پاسخ به چالش‌ها:** تمدن‌ها زمانی به اوج می‌رسند که به چالش‌های محیطی، اجتماعی، یا سیاسی به طور خلاقانه پاسخ دهند. اما زمانی که نخبگان یا ساختار جامعه از ارائه پاسخ‌های مناسب و نوآورانه به این چالش‌ها عاجز می‌مانند یا از تمدن‌های دیگر تقلید کورکورانه می‌کنند در مسیر زوال قرار می‌گیرد

(۲) **تبدیل نخبگان سازنده به نخبگان سلطه‌گر (Creative Minority vs. Dominant Minority):** در مراحل اولیه رشد یک تمدن، اقلیت یا نخبگان خلاق (Creative Minority) رهبری جامعه را به عهده دارند. این اقلیت با خلاقیت و نوآوری خود، جامعه را پیش می‌برد. اما با گذشت زمان، این‌ها به اقلیت سلطه‌گر (Dominant Minority) تبدیل می‌شود که تنها به حفظ قدرت و منفعت خود می‌اندیشد. اقلیت سلطه‌گر دیدگاه‌های خود را بر جامعه تحمیل می‌کنند و ارتدکس‌هایی را ایجاد می‌کند که نوآوری را خفه می‌کند. این منجر به از دست دادن مشروعیت آنان نزد جامعه می‌شود.

(۳) **تغییرات محیط زیستی و منابع:** نابودی منابع طبیعی یا تغییرات محیط زیستی نیز می‌تواند تمدن‌ها را تحت فشار قرار دهد. اگر جامعه نتواند خود را با این تغییرات تطبیق دهد، فروپاشی اجتناب‌ناپذیر است.

جواب پنجم:
فیلسوف و مورخ؛
دانش آموخته
دانشگاه های
مونیخ و برلین



Oswald Spengler (1880-1936)

○ کتاب افول غرب اثر اسوالد اسپنگلر یکی از آثار مهم در تحلیل چرخه‌های تاریخی و زوال تمدن‌ها است. نظریه ادواری اسپنگلر از جهاتی شبیه به نظریه ابن خلدون است که بر دوره ای پرانرژی از رشد و به دنبال آن دوره منافع شخصی و فروپاشی همبستگی خواهد بود. بر اساس دیدگاه او، دلایل افول کشورها و تمدن‌ها به شرح زیر است:

(۱) از دست دادن روح و فرهنگ (Loss of Culture and Spirit): در مراحل اولیه، تمدن‌ها توسط یک روح فرهنگی هدایت می‌شوند که موجب خلاقیت و نوآوری می‌شود. اما با گذشت زمان، این روح فرهنگی به ساختارهای بی‌روح تمدنی (Civilization) تبدیل می‌شود که خلاقیت را سرکوب می‌کند. در دوران زوال، تمدن‌ها بر مادی‌گرایی، پیشرفت فناوری، و قدرت نظامی تمرکز می‌کنند و از ارزش‌های فرهنگی فاصله می‌گیرند. این وضعیت جامعه را از درون تضعیف می‌کند.

(۲) افول نخبگان خلاق Decline of Creative Elites: نخبگان خلاق و رهبران فرهنگی در مراحل اولیه تمدن، نوآوری و هدایت جامعه را بر عهده دارند. اما در دوران افول، این نخبگان جای خود را به افرادی منفعت‌طلب و فاقد خلاقیت می‌دهند که تنها به حفظ وضعیت موجود می‌اندیشند. گسترش بوروکراسی و تمرکز قدرت گسترش پیدا می‌کند و بوروکراسی گسترده و تمرکز بیش از حد قدرت در دست دولت، خلاقیت و نوآوری را سرکوب می‌کند که موجب ناکارآمدی حکومت و از دست دادن مشروعیت آن می‌شود.

(۳) زوال ساختارهای سیاسی و اجتماعی: اسپنگلر باور دارد که ساختارهای سیاسی و اجتماعی تمدن‌ها در دوران زوال غیرقابل انعطاف می‌شوند و توانایی پاسخ به چالش‌های جدید را از دست می‌دهند.

A portrait of Paul Kennedy, an elderly man with glasses, wearing a dark suit, white shirt, and patterned tie. He is seated, leaning forward with his hands clasped. The background features a light blue wall with two framed pictures. The entire image has a blue color overlay.

جواب ششم:
پاول کندی، مورخ
متخصص در تاریخ
روابط بین الملل و
استراتژی ملی.

Paul Kennedy (1945-)

پاول کندی، به تحلیل چرخه‌های تاریخی قدرت‌های بزرگ از ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ می‌پردازد و عواملی که موجب زوال آن‌ها می‌شود را در قالب تغییرات اقتصادی و نظامی توضیح می‌دهد.

(۱) گسترش بیش از حد تعهدات نظامی قدرت‌های بزرگی که موقعیت خود را از طریق پویایی اقتصادی، رهبری فناوری و قدرت مالی و نظامی ناشی از آن به دست می‌آورند، تمایل دارند تعهدات بین‌المللی متعددی را ایجاد کنند و در نتیجه وضعیتی ایجاد می‌شود که در آن هزینه‌های تعهداتشان از ظرفیت مالی و نظامی بیشتر می‌شود (Overstretch of Military Commitments). مثال: امپراتوری بریتانیا در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، که به دلیل هزینه‌های سنگین نظامی در جنگ‌های جهانی اول و دوم، دچار زوال شد

(۲) فرسایش به خاطر جنگ‌ها و تضادهای بین‌المللی: جنگ‌های طولانی‌مدت و تضادهای بین‌المللی می‌تواند کشورها را تحلیل ببرد. زمانی که کشورها درگیر جنگ‌های متعدد و طولانی‌مدت می‌شوند، منابع انسانی و مالی آن‌ها کاهش می‌یابد و قدرت نظامی آن‌ها تضعیف می‌شود. مثال: امپراتوری عثمانی که با درگیر شدن در جنگ‌های متعدد و طولانی‌مدت با قدرت‌های بزرگ اروپایی و داخلی دچار ضعف و زوال شد.

(۳) هم فاز نشدن با تغییرات در اقتصاد جهانی: زمانی که کشوری نتواند خود را با تحولات اقتصادی جهانی یا فناوری‌های جدید هم‌راستا کند، ممکن است از نظر اقتصادی و نظامی ضعیف شود. این تغییرات می‌تواند تغییر در مسیرهای تجاری، ظهور رقبای جدید یا نوآوری‌های تکنولوژیکی باشد

جواب هفتم:
منسراالسن
دانش آموخته هارواردو
آکسفورد
استاد اقتصاد سیاسی



Mancur Lloyd Olson (1932 - 1998)

○ در کتاب فراز و فرود ملت ها The Rise and Decline of Nations نوشته منسر اُلسن، دلایل افول و زوال کشورها از دیدگاه اقتصادسیاسی و اجتماعی تحلیل می‌شود.

(۱) **شکل گیری ائتلاف های توزیعی (Distributive Coalitions)** به مرور زمان، در جوامع و کشورها، گروه‌های ذی‌نفع Interest Groups خاصی شکل می‌گیرند (مانند اتحادیه‌ها، گروه‌های تجاری، و لابی‌ها) که به دنبال منافع خود هستند. در نتیجه این گروه‌ها از طریق ایجاد قوانین و سیاست‌هایی که تنها به نفع آن‌هاست، باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شوند. گروه‌های ذی‌نفع مانع از رقابت آزاد می‌شوند و بازارها را محدود می‌کنند. منابع به جای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد، به حمایت از این گروه‌ها اختصاص می‌یابد.

مثال: سازندگان لوازم خانگی از سیاست‌های حمایت‌گرایانه (مثل تعرفه‌های بالا/ممنوعیت واردات) حمایت می‌کنند تا رقابت خارجی را کاهش دهند، حتی اگر این امر به هزینه افزایش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان، کاهش حق انتخاب و کاهش کیفیت برای عموم جامعه باشد.

Mancur Lloyd Olson (1932 – 1998)

۲. قفس نهادی: انعطاف‌ناپذیری نهادی (Institutional Rigidities): با افزایش نفوذ گروه‌های ذی‌نفع، ساختارهای نهادی جامعه به مرور زمان سخت‌تر و غیرقابل تغییر می‌شوند. در نتیجه این کاهش انعطاف‌پذیری باعث می‌شود جامعه نتواند به سرعت با تغییرات محیطی یا اقتصادی سازگار شود و در نتیجه به رکود می‌رسد.

۳. انسداد در تصمیم‌گیری (Decision-Making Blockage) زمانی که گروه‌های ذی‌نفع قدرت بیشتری پیدا می‌کنند، فرآیند تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری‌ها پیچیده و کند می‌شود. در نتیجه این انسداد باعث می‌شود دولت نتواند به طور مؤثر سیاست‌های موردنیاز برای رشد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی را اجرا کند.

۴. انسداد در اصلاحات: گروه‌های ذی‌نفع مقاومت شدیدی در برابر اصلاحات اقتصادی یا سیاسی نشان می‌دهند، چرا که این اصلاحات ممکن است منافع آن‌ها را تهدید کند. در نتیجه دولت‌ها توانایی خود را برای انجام تغییرات لازم از دست می‌دهند و کشور به تدریج دچار زوال می‌شود.

**جواب هشتم:
جک گلدستون
استاد خط مشی گذاری
عمومی و پویایی
اجتماعی**

CENTER FOR THE STUDY OF
Economy & Society
www.economyandsociety.org



Jack Goldstone (1953-)

○ در کتاب Revolution and Rebellion in the Early Modern World (انقلاب و شورش در دنیای مدرن اولیه) نوشته جک ای. گلدستون، دلایل افول و زوال کشورها از منظر تاریخی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

(۱) رقابت‌های نظامی و تهدیدات خارجی (Military Competition and External Threats)

رقابت‌های نظامی، جنگ‌ها و تهدیدات خارجی می‌توانند دولت‌ها را در معرض فشار قرار دهند. به ویژه در صورتی که هزینه‌های سنگینی به دولت تحمیل کنند یا منجر به شکست‌های نظامی شوند، می‌توانند ثبات داخلی را تضعیف کرده و به افول دولت‌ها منجر شوند.

(۲) تغییرات فرهنگی و ایدئولوژیکی (Cultural and Ideological Shifts)

زمانی که ارزش‌ها و باورهای فرهنگی دگرگون شوند ممکن است به اعتراضات و شورش‌ها منجر شود. انقلاب فرانسه و همچنین ظهور ایدئولوژی‌های جدید در قرن بیستم نمونه‌هایی از این تغییرات فرهنگی هستند که تأثیرات عمیقی بر سیاست‌ها و ساختارهای حکومتی داشتند.

Jack Goldstone (1953-)

(۳) تغییرات و فشارهای جمعیتی (Demographic Changes and Population Pressures) رشد سریع جمعیت و فشارهای ناشی از آن می‌تواند منابع محدود را تحت فشار قرار داده و بر نابرابری‌ها و نارضایتی‌های اجتماعی بیفزاید.

(۴) تراکم نخبگان (Excess elites): وقتی تعداد و تنوع نخبگان زیاد می‌شود و منابع محدود است، رقابت شدید برای دسترسی به منابع و موقعیت‌ها افزایش می‌یابد و امکان وقوع درگیری‌های درون‌نخبگانی و افزایش شکاف‌های اجتماعی بیشتر می‌شود.

○ برای مثال، در دوره‌های مختلف تاریخ، وقتی گروه‌های نخبگان مختلف (از جمله اشراف، نظامیان و کارگزاران دولتی) برای کسب قدرت در جامعه به رقابت می‌پرداختند، فرایندهای اصلاحی به جای حل مشکلات، باعث تشویش بیشتر و افزایش نارضایتی عمومی می‌شد. انقلاب فرانسه و انقلاب‌های روسیه نمونه‌هایی از این شرایط هستند که در آن‌ها نخبگان در رقابت برای حفظ یا کسب قدرت بودند و در نهایت این رقابت‌ها به بحران‌های ملی بزرگ منجر شد.



جواب نهم:
دانش آموخته هارواردو
کمبریج
استاد جغرافیا
پژوهشگر چند رشته ای

○ جرد دایموند در کتاب Collapse: How Societies Choose to Succeed or Fail (فروپاشی: چگونه جوامع انتخاب می کنند موفق شوند یا شکست بخورند) به بررسی دلایل افول و فروپاشی جوامع مختلف در طول تاریخ می پردازد. او پنج عامل کلیدی را به عنوان علل اصلی زوال کشورها و جوامع مطرح می کند که با یکدیگر در تعامل هستند:

(۱) **تخریب زیست محیطی (Environmental Damage)** : بهره برداری بیش از حد از منابع طبیعی مانند جنگل ها، خاک، آب و حیات وحش یکی از مهم ترین عوامل فروپاشی جوامع است. این تخریب باعث کاهش توانایی جامعه در تأمین نیازهای اساسی مانند غذا و آب می شود.

(۲) **تغییرات اقلیمی (Climate Change)** : تغییرات ناگهانی یا تدریجی در شرایط آب و هوایی مانند خشکسالی های بلندمدت می تواند منابع حیاتی را به خطر بیندازد و باعث ناتوانی جوامع در سازگاری شود .

JaredDiamond(1937-)

(۳) روابط با همسایگان (Hostile Neighbors) : دشمنی با جوامع همسایه یا حملات نظامی از سوی آن‌ها می‌تواند منابع را تحلیل برده و به ناتوانی در دفاع یا سازگاری منجر شود.

(۴) روابط تجاری با جوامع دور دست (Trade Partners) : قطع یا کاهش روابط تجاری با سایر جوامع می‌تواند منابع اقتصادی را محدود کند و آسیب‌پذیری جامعه را افزایش دهد.

(۵) پاسخ جامعه به چالش‌ها (Societal Response to Challenges) : شیوه‌ای که جامعه به مشکلات و چالش‌ها پاسخ می‌دهد، نقش تعیین‌کننده‌ای در بقای آن دارد. اگر جامعه در اتخاذ تصمیمات درست ناتوان باشد یا در الگوهای ناکارآمد خود گیر کند، احتمال فروپاشی افزایش می‌یابد. یک مثال: ناتوانی نخبگان سیاسی و اقتصادی در تمدن جزیره ایستر برای محدود کردن بهره‌برداری از منابع.

○ تأثیر متقابل این عوامل: دایموند تأکید می‌کند که این عوامل به صورت جداگانه عمل نمی‌کنند بلکه اغلب در تعامل با یکدیگر باعث فروپاشی می‌شوند. برای مثال، تغییرات اقلیمی می‌تواند تخریب زیست‌محیطی را تشدید کند و یا دشمنی با همسایگان به کاهش روابط تجاری منجر شود.

تجميع عوامل مشترک و اصلی زوال و افول و سقوط

جواب دهم: جمع بندی مؤسسه RAND

خلاصه: عوامل سقوط کشورها

- ضعف در امید جمعی، انگیزه همگانی یا عزم ملی
- سنگ‌وارگی و زوال نهادی و بوروکراتیک منجر به ناکارآمدی و/یا فساد نهادها
- نخبگان خودخواه یا از هم گسیخته و فقدان درک فضای منفعت مشترک بین نخبگان
- ناتوانی در همگامی با تغییرات اقتصادی و فناوری زمانه در همسویی با پارادایم عصر
- تضعیف حس انسجام و همبستگی ملی بخاطر افزایش تفرقه سیاسی و تنش‌های اجتماعی
- ناترازی منابع مالی، انرژی یا زیست محیطی (آب و غذا)

عوامل انحطاط به روایت RAND

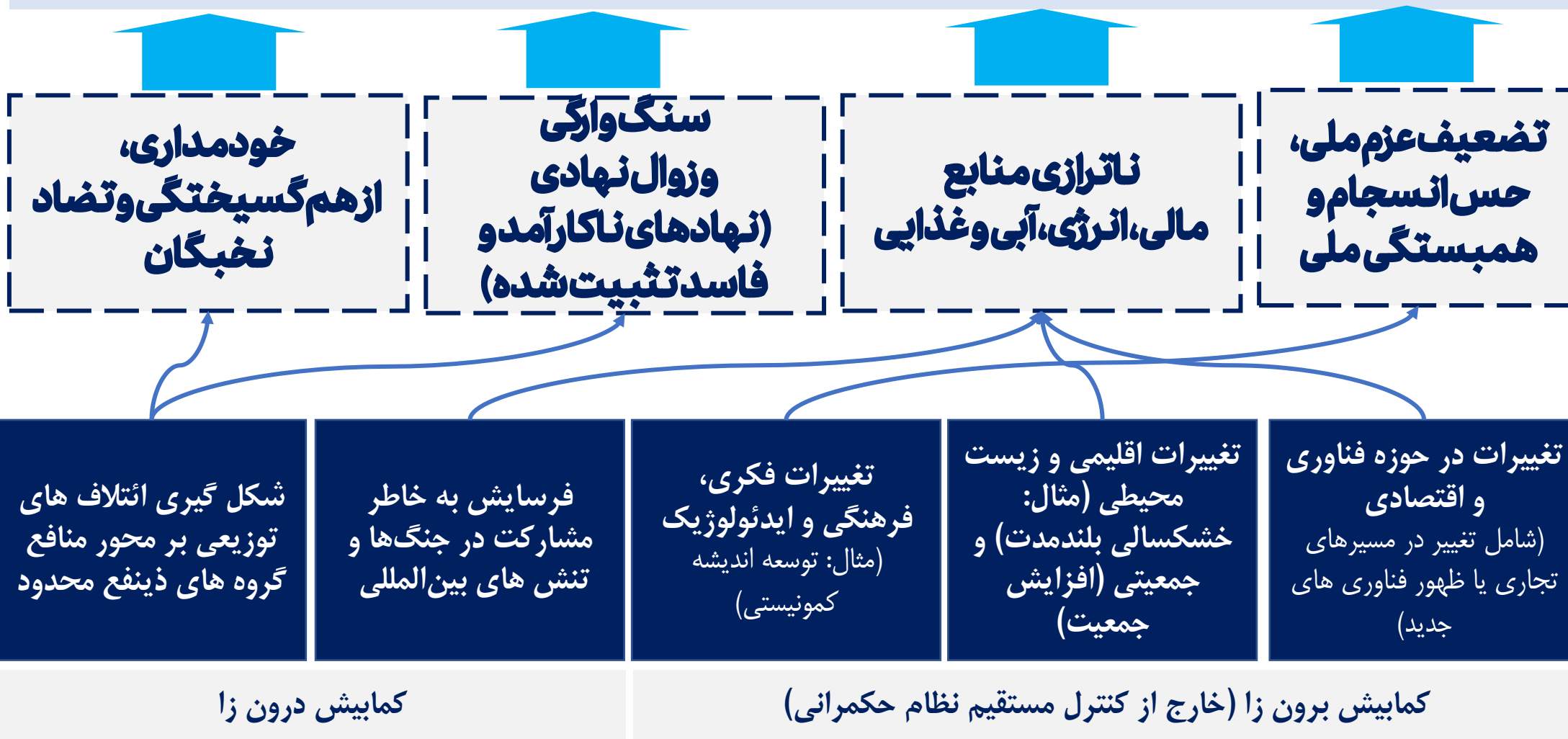
اندیشکده رند بعد از بررسی تطبیقی نظریات مختلف، عوامل را در ۶ دسته تدوین کرده است.

این فهرست شش تایی
نه کافی است و نه روشنایی بخش

نیازمند ترسیم روابط علت-معلولی و
تحلیل دینامیکی است.

رویکرد خطی-درخت وارده علت معلولی عوامل انحطاط و سقوط کشورها

ناتوانی در پاسخگویی به چالش ها
برآمده از تغییرات



چرا کشورها سقوط می کنند؟ و چگونه از زوال ساقط می شوند؟
مجبوری لشکر بلوکی

رویکرد دینامیکی - پویایی شناسی عوامل انحطاط و سقوط کشورها

تغییرات برون‌زا
(مانند تغییرات
اقلیمی)

تغییرات درون‌زا
(مانند ائتلاف
های توزیعی یا
فرسایش نظامی)

ناآرامی منابع،
زوال نهادی،
فساد نخبگان و
تضعیف هویت
ملی

چرخه تشکیل و
تسریع سقوط و
انحطاط؛

ناآرامی در
پاسخگویی به
چالش‌ها
برآمده از تغییرات

رویکرد خطی می‌تواند خطاهای فاحش تولید کند بنابراین به جای رویکرد خطی، تصویری پویایی شناسانه از سقوط آرایه می‌کنیم. در تحلیل دینامیکی یک عامل می‌تواند آغازگر یک حلقه شوم خود تقویت کننده باشد و منجر به افزایش یا کاهش خودش شود.

چرایی سقوط کشورها در یک تحلیل ترکیبی

دلایل مختلف دست به دست هم می‌دهند تا چراغ بخت یک کشور خاموش شود. گاهی تغییرات اقتصادی و تجاری جهان باعث بخت برگشتگی می‌شود. مثلاً پیدا شدن مسیرهای دریایی تجاری باعث می‌شود که مسیر تجارت زمینی از رونق بیفتد (عوامل برون‌زا) یا خشکسالی (باز هم عوامل برون‌زا) اما گاهی اوقات عوامل درون‌زا باعث از هم‌پاشیدگی می‌شود مانند درگیری فرسایشی یک کشور در جنگ یا تنش‌های منطقه‌ای که باعث از بین رفتن منابع و از دست دادن فرصت‌ها و تغییر تمرکز بر بقا به جای رشد می‌شود (عوامل درون‌زا) یا تبدیل شدن نخبگان تحول‌آفرین به نخبگان منفعت‌طلب.

تغییرات چه درون‌زا باشند چه برون‌زا، تأثیرات خود را در چهار عامل نشان می‌دهند:

- (۱) تضعیف امید/هویت/عزم ملی
- (۲) از هم‌گسیختگی نخبگان قدرت، ثروت، امنیت و منزلت (نخبگان سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی)
- (۳) ناترازی منابع مالی، انرژی، آبی و غذایی
- (۴) سنگ‌وارگی نهادی (زوال نهادها و ساختارهای جامعه به ویژه اداره کشور)

چرایی سقوط کشورها در یک تحلیل ترکیبی-ادامه

وقتی این **چهار عامل** هر کدام کمابیش ایجاد می‌شوند و همدیگر را تقویت می‌کنند به **انسداد** می‌رسیم. **انسداد در سیاست گذاری و راه‌گشایی و انسداد در مفاهمه و پیاده‌سازی سیاست‌های افق‌گشایی.** به عبارتی آن کشور به ناتوانی در پاسخ‌گویی به چالش‌ها دچار می‌شود و آنقدر این وضعیت ادامه پیدا می‌کند که این ناتوانی و انسداد منجر به تقویت عوامل درون‌زا و تشدید اثرات عوامل برون‌زا می‌شود. [دقت کنید که عوامل برون‌زا تشدید نمی‌شوند بلکه اثرات آنان تشدید می‌شود به عنوان مثال ممکن است کمونیسم خودش تشدید نشود اما گرایش به کمونیسم و عدالت‌خواهی کور تشدید شود]. **این چرخه شوم تا جایی ادامه پیدا می‌کند که آن کشور از هم می‌پاشد.**

آیا سقوط به معنی پایان است؟

گزارش موسسه RAND در ادامه به معرفی ۸ عامل می‌پردازد که باعث می‌شود یک کشور دوباره چون ققنوس از خاکستر برخیزد. در ادامه این عوامل را با هم مرور می‌کنیم و چند نکته کلیدی را با هم بررسی می‌کنیم.

از سقوط به صعود مجدد؛ ۸ عامل موثر بر بازسازی ملی

عوامل موثر بر بازسازی ملی	توضیحات
آگاهی از نیاز به تغییر	پذیرش بحران نیازمند خود انعکاسی (Self-reflection) و خود انتقادی (Self-critique)
درک درست صورت مساله	صورت بندی درست مساله و تعریف درست مساله (تفاوت بین مشکل و مساله)
جهان بینی (ذهنیت) راه حل گرا	ارایه راه حل های عملی و این جهانی به جای تفسیر و توجیهات متافیزیکی
تلاش های موزائیکی و همپوشان	موزاییکی از کمپین ها، ابتکارات پایین به بالا در کنار دستورات یکپارچه بالا به پایین.
ساختار حاکمیتی و نهادهای اجتماعی توانمند	توانمندی دولت و جامعه مدنی در حاکمیت قانون و مدیریت تغییرات
تعهد نخبگان به خیر جمعی	تعهد نخبگان به منفعت ملی و خیر جمعی (Common Good)
همسویی با پارادایم زمانه	درک درست تغییرات جهانی و پارادایم مسلط ارزش آفرینی
دسترسی پایدار به منابع ضروری	دسترسی پایدار به منابع ضروری برای بازسازی (مالی و مادی) برای بازسازی

آگاهی از نیاز به تغییر

○ عامل اول پذیرش بحران است که نیازمند خود انعکاسی (Self-reflection) و خود انتقادی (Self-critique) است. آیا فکر می کنید که این عامل آسان است؟ نه! دست کم ۱۴ فاکتور وجود دارد که باعث می شود که آگاهی از نیاز به تغییر رخ ندهد.

#	نوع مقاومت در برابر پذیرش بحران	توضیح
۱	عدم مواجهه با واقعیت	مدیران ارشد در حلقه اطلاعاتی محافظت شده زندگی می کنند و رنج مردم را لمس نمی کنند.
۲	انکار و نبود نظام داده و شفافیت	مشکل وجود ندارد (آمار، رسانه و واقعیت را نادیده می گیرد یا آمار دقیق از فقر، آلودگی، فساد، مهاجرت نخبگان و... منتشر نمی شود یا دقیق نیست.
۳	توجیه	مشکل وجود دارد ولی تقصیر دیگران یا شرایط بیرونی است
۴	خوش بینی غیر واقع بینانه	فکر می کنیم کشور خود به خود درست می شود، یا تاریخ همیشه ما را نجات داده.
۵	فاجعه زندگی Normalization of Crisis	بحران آن قدر تکرار شده که برایمان عادی شده؛ مثلاً بحران آب، تورم، مهاجرت نخبگان.
۶	مقصر خارجی پنداری	همیشه غرب، تحریم یا دشمن را مقصر می دانیم و هیچ گاه ساختار یا رفتار خود را نقد نمی کنیم.
۷	تبلیغ «همه چیز خوب است»	سیاه نمایی نکنید! ما هیچ مشکلی نداریم فقط جنگ روایت داریم!

آگاهی از نیاز به تغییر

○ و بقیه فاکتورهایی که باعث می‌شود همین اولین عامل یعنی نیاز به تغییر رخ ندهد.

#	نوع مقاومت در برابر پذیرش بحران	توضیح
۸	حذف یا نادیده گرفتن صداها هشدار دهنده	کارشناسان، دانشگاهیان و آژیرهای خطر شنیده نمی‌شوند یا سانسور می‌شوند.
۹	مشغولیت به اداره روزمره کشور	فقط به حکمرانی کوتاه مدت (طرح‌های کوتاه مدت معیشتی) پرداخته می‌شود و جایگزین آینده‌نگری و اصلاحات ساختاری می‌شود.
۱۰	«مقصر کیست؟» به جای «راه حل چیست؟»	انرژی ماصرف سرزنش می‌شود، نه حل مسئله.
۱۱	ترس از پذیرش اشتباه	پذیرش بحران یعنی باید عملکرد گذشته زیر سؤال برود. این برای نخبگان سخت و گاهی پرهزینه است.
۱۲	نبود جایگاه برای خودانتقادی ملی	هیچ ساختار رسمی برای گفت‌وگوی صریح درباره بحران‌ها وجود ندارد.
۱۳	موفقیت ظاهری مدیران حتی در شرایط بحرانی	مدیرانی که در بحران هم پست و اعتبار دارند، دلیلی برای تغییر نمی‌بینند.
۱۴	تأخیر	بحران رامی‌پذیرد، اما می‌گوید «زمان داریم»، «عجله نکن»، «فعلاً اولویت نیست»

۷ عامل دیگر نیز مهم‌اند.

○ در دو صفحه قبل فقط در مورد عامل آگاهی از نیاز به تغییر صحبت کردیم، بدیهی است عوامل دیگر نیز مهم‌اند از جمله همسویی با پارادایم زمانه یا درک درست تغییرات جهانی و پارادایم مسلط ارزش‌آفرینی می‌تواند بسیار کلیدی باشد. کشوری که می‌فهمد اکنون ثروت و قدرت در کجاست و زنبیل خود را آنجا می‌گذارد با کشوری که هنوز در توهمات و آرزوها به سر می‌برد دو سرنوشت متفاوت خواهند داشت.

○ به عنوان مثال در عامل چهارم تلاش‌های موزائیکی و همپوشان را می‌بینیم. یعنی پازل یا موزاییکی از کمپین‌ها، ابتکارات پایین به بالا در کنار دستورات یکپارچه بالا به پایین. خود همین عامل نیز می‌تواند موانع جدی پیش روی خودش داشته باشد. در صفحه بعد این موانع را تشریح می‌کنم.

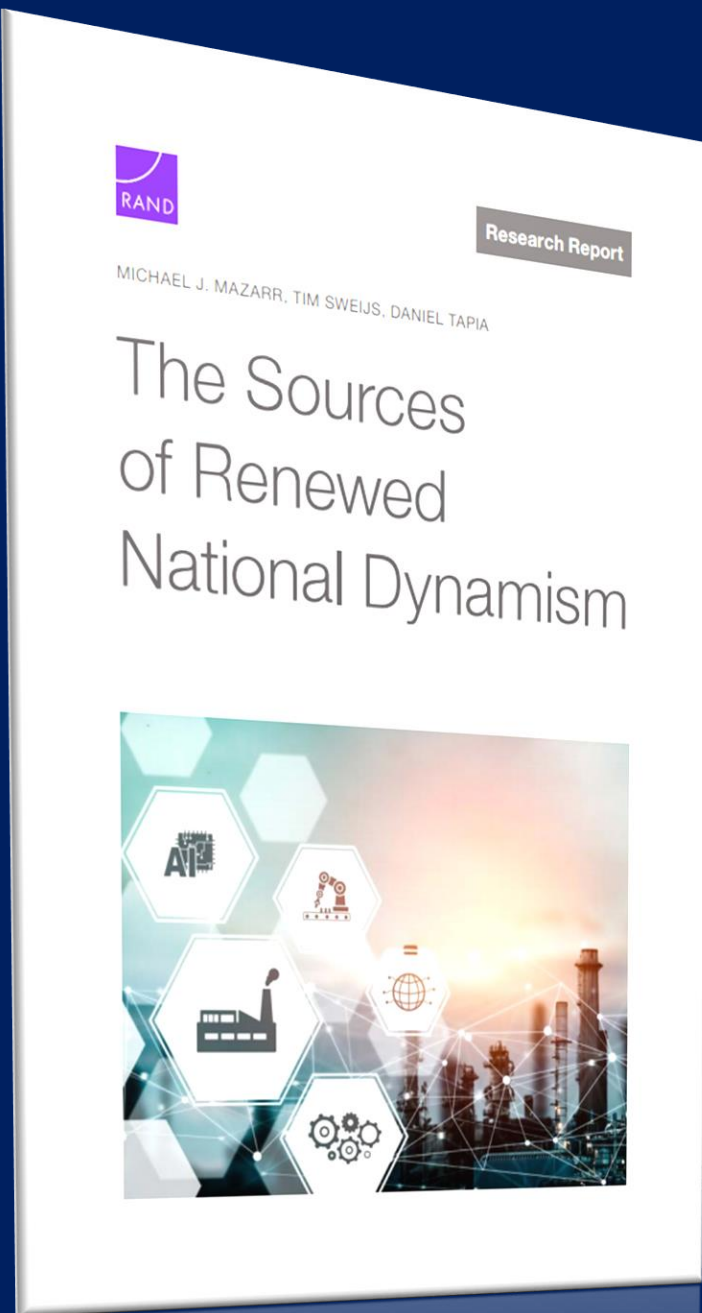
موانع تلاش های موزائیکی هم پوشان

#	مانع	توضیح
۱	قهرمان گرایی	انتظار داریم یک شخص یا نهاد (مثلا دولت یا یک مدیر) همه چیز را حل کند
۲	بی اعتمادی سازمانی و اجتماعی	نهادهای و گروه ها به هم اعتماد نمی کنند تا وارد همکاری شوند
۳	فرد گرایی نهادهای شده	تجربه موفق و فرهنگ کار تیمی و شبکه ای ضعیف است؛ همه دنبال «پروژه خود» هستند. در سیستم انگیزشی ملی، «همکاری» پاداش ندارد، ولی «تک روی» و مالکیت فردی پاداش دارد
۴	حس رقابت منفی	بسیاری رقابت را به جای هم آفرینی می بینند؛ «اگر من نمی برم، تو هم نباید ببری»
۵	رویکرد جزیره ای (Fragmented)	هر نهاد برای خودش کار می کند؛ بدون اطلاع و ارتباط با دیگران
۶	وابستگی به دولت (State-Centric) و ساختار عمودی در حکمرانی	همه انتظار دارند دولت همه کارها را انجام دهد؛ دیگر کنشگران حذف یا منفعلند و ارتباط بالا به پایین (دستوری)، نه همکارانه و شبکه ای
۷	انحصار گرایی نهادی و کنشگری بلاک شده	سازمان های دولتی مالک انحصاری موضوعات می شوند (مثلا حوزه فین تک ها فقط در اختیار فلان نهاد است و هیچ حق کنشگری ندارد)

موانع تلاش های موزائیکی هم پوشان

#	مانع	توضیح
۸	موازی کاری (Duplication)	همه در حال تولید طرح و پروژه مشابه هستند؛ ولی هیچ کدام به نتیجه نمی رسد
۹	تضاد و ناسازگاری (Conflicting)	اقدامات بعضی نهادها اثر اقدامات دیگر را خنثی می کند
۱۰	نبودن نظام اشتراک داده و تجربه	اشخاص حقیقی و حقوقی اطلاعات خود را ارائه نمی دهند، حتی اگر به نفع کشور باشد
۱۱	فقدان نهادهای واسط (Facilitators)	سازوکارهایی که بتوانند دولت، مردم، کسب و کار، دانشگاه، و مدیران ادواریک میز جمع کنند بسیار ضعیف است
۱۲	عدم حضور جامعه مدنی قدرتمند	سازمان های مردم نهاد، انجمن ها، شبکه های داوطلبی و حرفه ای کم و بنیان هستند
۱۳	قطع ارتباط بین نسل ها	تجربه نسل گذشته به نسل جدید منتقل نمی شود؛ هر نسل دوباره از صفر شروع می کند
۱۴	محدودیت های ارتباط نهادی، علمی و فناوری با جهان	که مانع هم پوشانی تلاش های داخلی با تجربه و ظرفیت های جهانی است

Mazarr, M. J., Sweijs, T., & Tapia, D. (2024). *The sources of renewed national dynamism* (RR-A2611-3). RAND Corporation.



این نوشتار برداشت آزاد و بسط یافته‌ای از گزارش روبرو است. ولی بیش از ۷۰٪ متن این نوشتار فراتر از گزارش مذکور است. همچنین در تهیه این گزارش از هوش مصنوعی مانند چت جی‌پی‌تی، جمنا‌ی و دیپ‌سیک استفاده شده است.

منابعی برای مطالعه عمیق تر و بیشتر:

- **Ibn Khaldun:**
 - Ibn Khaldūn, The Muqaddimah: An Introduction to History, abridged edition, edited by N. J. Dawood, translated by Franz Rosenthal, Princeton University Press, 2005.
 - Syed Farid Alatas, "Luxury, State and Society: The Theme of Enslavement in Ibn Khaldun," Journal of Historical Sociology, Vol. 30, No. 1, 2017, pp. 84-104.
 - Muhsin Mahdi, Ibn Khaldūn's Philosophy of History: A Study in the Philosophic Foundation of the Science of Culture, University of Chicago Press, 1964.
- **Rise and Fall of Empires:**
 - 4. Edward Gibbon, The History of the Decline and Fall of the Roman Empire, 6 vols., Strahan & Cadell, London, 1776-1789.
 - 5. Oswald Spengler, The Decline of the West, trans. Charles Francis Atkinson, George Allen & Unwin, 1926.
 - 6. Arnold J. Toynbee, A Study of History, 12 vols., Oxford University Press, 1934-1961.
- **World-Systems & Comparative Civilizations:**
 - 7. Immanuel Wallerstein, World-Systems Analysis: An Introduction, Duke University Press, 2004.
 - 8. Immanuel Wallerstein, "The Rise and Future Demise of the World Capitalist System: Concepts for Comparative Analysis," Comparative Studies in Society and History, Vol. 16, No. 4, 1974, pp. 387-415.
- **Culture, Ideology, and Society:**
 - 9. Lawrence E. Harrison and Samuel P. Huntington, editors, Culture Matters: How Values Shape Human Progress, Basic Books, 2000.
 - 10. George C. Lodge and Ezra F. Vogel, editors, Ideology and National Competitiveness: An Analysis of Nine Countries, Harvard Business School Press, 1987.
- **Innovation and Economic Evolution:**
 - 11. Thomas K. McCraw, Prophet of Innovation: Joseph Schumpeter and Creative Destruction, Harvard University Press, 2007.
 - 12. Joel Mokyr, A Culture of Growth: The Origins of the Modern Economy, Princeton University Press, 2016.
 - 13. Joel Mokyr, "The Intellectual Origins of Modern Economic Growth," Journal of Economic History, Vol. 65, No. 2, June 2005, pp. 285-351.
- **Societal Collapse and Complexity:**
 - 14. Peter Turchin, Jenny Reddish, and Donagh Davis, "Flattening the Curve: Learning the Lessons of World History to Mitigate Societal Crises," SocArXiv, last updated July 19, 2022.
 - 15. Robert Gilpin, War and Change in International Politics, Cambridge University Press, 1981.
 - 16. Mancur Olson, The Rise and Decline of Nations: Economic Growth, Stagflation, and Social Rigidities, Yale University Press, 1982.
 - 17. Jonathan Rauch, Demosclerosis: The Silent Killer of American Government, Random House, 1994.
 - 18. Jonathan H. Turner, Christopher K. Chase-Dunn, Thom D. Hall, and David Larcey (not Larcey alone), and Thayer S. Patterson, editors, How Worlds Collapse: What History, Systems, and Complexity Can Teach About Our Modern World and Fragile Future, Routledge, 2023.
 - 19. Daniel Hoyer, "Decline and Fall, Growth and Spread, or Resilience? Approaches to Studying How and Why Societies Change," SocArXiv, January 7, 2022.
 - 20. Rebecca Storey and Glenn R. Storey, "Questioning the Classic Maya Collapse and the Fall of the Roman Empire: Slow Collapse," in Robert K. Faulseit (ed.), Beyond Collapse: Archaeological Perspectives on Resilience, Revitalization, and Transformation in Complex Societies, Center for Archaeological Investigations, Occasional Paper No. 42, 2016, pp. 51-77.
 - 21. Jack A. Goldstone, Revolution and Rebellion in the Early Modern World, University of California Press, 1991.
 - 22. Jared Diamond, Collapse: How Societies Choose to Succeed or Fail, Viking Penguin, 2005.
 - 23. Niall Ferguson, Doom: The Politics of Catastrophe, Penguin Press, 2021.
 - 24. Harvey Weiss, ed., Megadrought and Collapse: From Early Agriculture to Angkor, Oxford University Press, 2017.
 - 25. Thomas Kemp, Why Empires Fall: Rome, America, and the Future of the West, Cambridge University Press, 2023. (مطابقت با Kemp, 2023)

A close-up photograph of an elderly woman with light blue eyes and deeply wrinkled skin. She is looking through a glass pane, possibly a window or a door, which has some condensation or rain on it. She is holding a knife against the glass, with the blade pointing towards the camera. The lighting is dramatic, with a strong blue tint on the left side of the image.

مجتبی لشکر بلوکی

بگذار نگرانی وارد خانه ات نشود،
اما نگذار دست و پای امید را ببندد.